

غیبتی فوق العاده

آزادی در میانه زندگی روزمره

جف فوستر

ترجمه‌ی وحید مهدیخانی

www.ketab.ir



سرشناسه: فاستر، جف
Foster, Jeff

عنوان اصلی: پدید آمدن هستی فوق العاده: آزادی در میانه زندگی روزمره/ جف فوستر؛
ترجمه: مهدی خانی؛ ویراستار: کتایون امیراحمدی.
مشخصات نشر: تهران: ترنگ، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۰۹ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۳۰۳۸-۰
ویراست: هرسا، نویسنده: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: An extraordinary absence: liberation in the midst of a very ordinary life, 2009.

عنوان دیگر: رهایی در وسط زندگی: بسیار معمولی.

موضوع: معنویت
Spirituality

موضوع: فلسفه
Philosophy

شناسه افزوده: مهدی خانی، وحید، ۱۳۵۵ -، مترجم

رده بندی کنگره: BL۶۲۴

رده بندی دیویی: ۲۰۴

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۱۶۰۴۵





nashretorang



www.nashretorang.com



نشر ترنگ



غیبتی فرق العاده

جف فاستر

ترجمه‌ی وحید مهدیخانی

ویراستار: کتایون امیراحمدی

حروف‌چین و صفحه‌آرا: بهنگام

لیتوگرافی و چاپ: پردیس

چاپ: ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۳-۴۰-۱

نشانی انتشارات: خیابان انقلاب، خیابان روانمهر، کوچه دولتشاهی، پلاک ۵، طبقه ۱،

تلفن: ۰۹۱۹۹۶۴۶۲۲۴ همراه: ۶۶۴۰۳۵۲۰/۶۶۴۷۰۳۷۶

حق چاپ محفوظ است

nashretorang@gmail.com



فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۹	شروعی تان
	فصل اول موج / اقیانوس
۲۵	ورای ایده‌ها
۳۰	جست‌وجوی خانه
۳۵	امکان‌رهای
۳۷	بازی قایم‌باشک
۳۹	پیشکش
۴۴	چیدمان دوباره‌ی وسایل
۴۹	هیچ‌کسی آنجا نیست
۵۱	افسانه‌ی روشن‌ضمیری
۵۳	هیچ‌چیز تغییر نمی‌کند، همه‌چیز تغییر می‌کند

فصل دوم غیر معمولی در درون امری طبیعی

نادوگانگی چیست؟ ۵۷

این ۸۴

فصل سوم اعترافات ۱

این ۱۱۲

فصل چهارم نادوگانگی

ان ۱۲۷

فصل پنجم اسد گاه جهان

این ۱۴۶

فصل ششم اعترافات ۲

این ۱۸۱

فصل هفتم آن سوی هیچ

این ۱۹۹

فصل هشتم غیبتی فوق العاده

پیش‌گفتار

من در جست‌وجوی این کتاب، اخیراً در برایتون^۱ با هم دیدار کردیم و مصاحبه‌ای طولانی درباره‌ی دیدگاه‌های ما و گانگی داشتیم. در طول مسیر به‌خاطر علاقه‌ی مشترکمان به ترنند های، از مسیر منحرف شدیم. یکی از حيله‌های ورق که جف در طول گفت‌وگو با من به اشتراک گذاشت، «حیرتی عمیق» نام دارد و وقتی جف از من خواست به بحث گفتاری برای کتاب جدیدش بنویسم، آن نام به‌طور ناگهانی ظاهر شد. و فکر کردم برای آنچه می‌خواهم در مورد این کتاب و عمیق‌ترین معنای ضمنی‌اش به اشتراک بگذارم، مناسب است؛ و آن، عمیق‌ترین حیرت در مورد عمیق‌ترین موضوع است، و تلاش خواهم کرد آن را نشان دهم.

اگر در اینترنت جست‌وجویی در مورد اساتید رواندگی انجام دهید، از تعداد زیاد «افراد بیدار شده» تعجب خواهید کرد. بسیاری از آن‌ها شاهکارهای بی‌اندازه ظریفی از گفتارهای ترندانه انجام می‌دهند تا روشن‌ضمیری‌شان را اعلام کنند. اما کتاب جف دقیقاً در همین باره است: هیچ‌کسی وجود ندارد که بتواند روشن‌ضمیر شود. و اینجاست که تردستی

سخن به میان می‌آید، مشابه «فردِ ذهن‌خوان» که اعلام می‌کند علم غیب ندارد، اما به سادگی مهارت‌های دقیقی از مشاهدات روان‌شناختی را در خود پرورش داده است تا مخاطب چنین برداشت کند او توانایی‌های فراعادی دارد. در حقیقت، هیچ‌کدام درست نیست، و «فردِ ذهن‌خوان» به سادگی به فریبکاریِ دوگانه از طریق دستکاری زبانی و نمایش ماهرانه مشغول است. اکثر صحنه‌ی نادوگانگی متداول به همین صورت به فریبکاری‌های چندلایه مشغول است و به نظر من بخشی از این فریب، از عمیق‌ترین خودفریبیِ «سل» می‌شود: «من ناپدید شده‌ام و فقط آن است، و من اکنون رها شده‌ام.» حال، این صورت‌بندی کلامی مکارانه است و می‌تواند بیانی دقیق از میان شخصیت‌نمایشی فرد باشد که در آنجا غیر واقعی بودنِ شخص مشاهده شده است، یا می‌تواند بی صورت‌بندی شده توسط کسی باشد که عمداً توهم ایجاد می‌کند یا صرفاً رها خورده است. این‌ها کلماتی تند است و به خاطر آن‌ها عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا وقت آن است که به ورای صورت‌های ظاهری حرکت کنیم تا ببینیم به نظر صورت‌ظاهری است. همه چیز. رهایی من، یا فقدان آن، روشن‌ضمیریِ اخلاقی من، یا فقدان آن، و ترفندهای فوق‌العاده‌ی من؛ و عمیق‌ترین حیرت‌دهنده است.

و این مرا به کتاب جف می‌رساند. بخش‌هایی از این کذب در مورد زبان متداولِ نادوگانگی صحبت می‌کند و می‌تواند به بهترین وجه به عنوان بیانی توضیح داده شود که با ابزار دوگانگی گلاویز می‌شود تا آنچه را نادوگانگی است انتقال دهد. وقتی کلمات از یک راز سرچشمه می‌گیرند که هرگز نمی‌تواند آشکار شود، تنش زبانی خاصی وجود دارد. معنای ظاهری به بی‌معنایی تنزل می‌یابد و تناقض، خودش را به عنوان وسیله‌ای برای انتقال

حقیقتی که نمی‌تواند شناخته شود، بیان می‌کند. همه‌ی این‌ها می‌تواند در نوشته‌های جف یافته شود، اما این کتاب مرزهای این نوع نوشته‌ها را توسعه می‌دهد، در این نوع نوشته‌ها توصیف غیرشخصی نقطه مقابل متن‌های اعترافی شخصی است. اینجا جف به خواننده اجازه می‌دهد او را به عنوان شخصیت داستان ببیند، مردی معمولی که من و تو را از هر نظر دوست دارد. اما بخش دشوار بیان دقیق اینجاست: این شخصیت، از طریق همین تن‌حیرت از دیدن اینکه همه‌اش فقط توهم است، در راز و رمزی فانی باشد که در آن، جهان با همه‌ی ظواهر بشمارش، هم بسیار معمولی است. اسم فوق العاده است. آن معمولی، من و تو و جف خواهیم بود و آن فوق العاده، غیبت عمیق همه‌ی چیزهایی است که واقعی پنداشته‌ایم.

کرین پیل

اسیار مرکز مدیریت دانشگاه کوازولو - ناتال

می ۲۰۰۹